نظام آموزش حوزه، بایدها و نبایدها؛ در گفت وگو با مدیر محترم مدرسه علمیه مجتهدی تهران

پیام حوزه: بسم الله الرحمن الرحیم. برای ورود به بحث و آشنایی بیشتر با حضرت عالی، ضمن معرفی خودتان، بفرمایید مدرسه علمیه مجتهدی تهران، در چه سالی و به دست چه کسی تأسیس شده است؟

دکتر نصیری: بسم اللّه الرحمن الرحیم. بنده در سال 1366 پس از اتمام تحصیلات دوره متوسطه، وارد حوزه علمیه شدم. در همین سال، در دانشگاه تهران هم پذیرفته شدم و دروس حوزوی را همراه با برنامه های دانشگاهی ادامه دادم. رشته دانشگاهی من حقوق بود و در مقطع کارشناسی ارشد و دکترا هم، رشته الهیات، و گرایش فقه و مبانی حقوق را انتخاب کرده بودم ازاین رو، سنخیتی میان دروس حوزوی و دانشگاهی ام وجود داشت، به همین دلیل، برای ادامه تحصیل در حوزه و دانشگاه مشکل نداشتم. سطح سوم حوزه را در همین مدرسه گذراندم و الآن نزدیک شش سال است که از درس خارج فقه آیات عظام در تهران استفاده می کنم. از همان ابتدای تحصیل، در حوزه و دانشگاه تدریس داشته ام و الآن هم با توجه به این که در خدمت طلاب عزیز هستم، به تدریس اشتغال دارم.

حوزه علمیه آیت الله مجتهدی، هم زمان با ورود ایشان به مسجد ملاجعفر، در سال 1375 ه ق تأسیس شده است. مؤسس این حوزه هم، خود ایشان هستند. قبل از این که ایشان به این مسجد تشریف بیاورند، با جناب آقاشیخ محمدحسین زاهد همکاری می کردند. او از چهره های طللبه پرور و موجه بود و در سازندگی انسان ها نقش ممتازی داشت. بنابراین، آیت الله مجتهدی، قبل از سال 1375 قمری، چهار تا پنج سال به تربیت علوم دینی پرداخته اند، اما این حوزه را رسما از سال 1375 قمری، در این مسجد بنیان گذاری کرده اند.

آیت الله مجتهدی از همان ابتدا، با جذب جوانان مستعد و متعهد از خانواده های معروف، به تربیت و آموزش آنان می پرداختند. ایشان در تربیت طلاب علوم دینی، توفیقات ویژه ای داشته اند؛ بزرگانی چون آیت الله خرازی، آیت الله استادی، آیت الله موسوی تهرانی و بسیاری از شخصیت های علمی که امامت جمعه برخی از شهرها را به عهده دارند، همچنین برخی از رجال سیاسی مانند دکتر حبیبی و جناب حجة الاسلام ناطق نوری و شهدای گرانقدری مثل شهید فیاض بخش، شهید قندی، شهید تندگویان و... همگی از شاگردان و دست پروردگان ایشان هستند. آیت الله مجتهدی نقش مؤثری در تربیت طلاب علوم دینی در تهران و قم، در نیم قرن گذشته داشته اند.

در حال حاضر، این حوزه دارای ششصد طلبه رسمی است. در این حوزه کلاس ها به دو شکل عمومی و تخصصی برگزار می شود. یعنی ما هر روز یک کلاس عمومی داریم که همه پایه ها در آن حضور دارند. سه روز هم از اساتید تفسیر و نهج البلاغه استفاده می کنیم. در کنار این آموزش عمومی، هر پایه ای دروس تخصصی خود را نیز دارد که در صبح یا عصر برگزار می شود. برنامه های تخصصی ما با برنامه های مرکز مدیریت حوزه علمیه قم مطابقت دارد. فقط در بخشی از موارد و موضوعات، ما پیش نیازهایی داریم که تشخیص داده ایم برای بالندگی طلاب لازم است؛ برای مثال، در پایه سوم، برای آماده کردن طلاب برای ورود به فقه و اصول، یک درس مبادی فقه و اصول اضافه کرده ایم و فکر می کنم جای این درس؛ در همه حوزه های علمیه خالی است و در همین جا، از برنامه ریزان آموزشی تقاضا می کنم این موضوع درسی را در برنامه درسی حوزه بگنجانند؛ برای این که طلاب وقتی می خواهند در پایه چهارم وارد شرح لمعه شوند، هیچ زمینه و آشنایی با اصطلاحات فقهی و اصولی، ندارند. درس مبادی فقه و اصول، طلاب را با اصطلاحات فقهی و عمومی اصول آشنا می کند و می تواند بسیار نقش آفرین و مؤثر باشد.

از طرف دیگر، طلاب در کتاب های فقهی و اصولی با موضوعات آشنا می شوند، ولی با اصطلاحات فقه و اصول کمتر آشنا می شوند، در درس مبادی این خلاء، پر می شود و طلاب به طور اجمالی با اصطلاحات مهم و کاربردی فقه و اصول آشنا می شوند.

درس دیگری که ما افزون بر برنامه های حوزه داریم، درس تاریخ فقه و فقهاست. این درس، طلاب را با بنیان گذاران فقه و مکاتب فقهی، آشنا می کند. در حوزه، درسی در موضوع تاریخ فقاهت شیعه نیست.

در زمینه عقاید هم ما آموزش های حوزوی را کافی نمی بینیم، لذا در این زمینه هم تغییرات جزئی در برنامه، داده ایم، به این صورت که برای کل پایه ها، درس کلام و اعتقادات را الزامی کرده ایم.در حوزه قم، کتاب های دروس عقاید، از لحاظ سطح علمی و تقدّم و تأخّر با همدیگر متناسب نیستند. علاوه بر این ها، ما در زمینه تاریخ اسلام هم، کلاس هایی برگزار می کنیم، که متخصّصان تاریخ معاصر و اسلام، تدوین متون درسی آنها را بر عهده گرفته اند.

پیام حوزه:اگر مایل باشید، درباره مسائلی مانند: تعداد ورودی ها و فارغ التحصیلان این حوزه، پایه های درسی که در این جا ارائه می شود، مسئله تأمین استاد، منابع مالی و خدماتی که به طلبه ها ارائه می شود، مانند: بیمه درمانی، تعاونی توضیحاتی بفرمایید.

مدیر محترم مدرسه علمیه مجتهدی: مابه طور متوسط، هر ساله صد نفر پذیرش داریم و حدود هفتاد تا هشتاد نفر هم به قم یا سایر حوزه های علمیه اعزام می کنیم. همچنین تا پایه دهم، در اینجا امکان تحصیل هست. از لحاظ استاد هم بحمدالله، خودکفا هستیم. الآن بسیاری از اساتید ما در پایه های یک تا هشت، از فارغ التحصیلان این حوزه هستند. از لحاظ فضای آموزشی هم با توجه به استقبالی که در اینجا هست، ما هر ساله سه تا چهار برابر ظرفیتی که داریم، پذیرش می کنیم؛ هر سال به طور متوسط پانصد تا ششصد نفر ثبت نام می کنند؛ ولی ما حداکثر می توانیم صد نفر پذیرش کنیم.

درباره منابع مالی هم باید گفت مخارج این حوزه از طرف آیت الله مجتهدی تأمین می شود. وجوهی که مراجعه کنندگان به ایشان تقدیم می کنند، به گونه ای است که مخارج حوزه، اساتید، شهریه طلاب و... را تأمین می کند. ما از هیچ مرجعی شهریه دریافت نمی کنیم، حتی آیت الله مجتهدی نیمی از وجوهاتی را که دریافت می فرمایند، به مراجع معظم تقدیم می کنند. در زمینه خدماتی مانند بیمه هم، تا سال گذشته، مرکز خدمات حوزه علمیه یک شعبه مستقل داشت. بعد تصمیم گرفتند این شعبه ها را جمع کنند؛ البته به نظر من، کار اشتباهی بود. برای این که بنده معتقدم خدمات رسانی به طلاب علوم دینی بایستی در متن خود حوزه های دینی باشد تا بین خدمت رسانی و درس و بحث طلبه یک ارتباط مستقیم باشد. به هرحال، این شعبه ها جمع آوری شده و اکنون در تهران شعبه مستقلی زده اند، لذا طلاب نوعا بیمه مرکز خدمات هستند. من چند سال پیش هم به مسئولین محترم خدمات بیمه پیشنهاد کردم شما به جای این دفاتر و هزینه استخدام کارکنان آنها، با خود بیمه تأمین اجتماعی قرارداد ببندید و سرانه بیمه را پرداخت کنید، و طلاب را به آنجا معرفی کنید. با این کار، بسیاری از هزینه های مرکز کاهش پیدا می کند. طلاب هم مثل بقیه مردم آبرومندانه بیمه شوند. چرا برای خودمان یک مرکز جداگانه تأسیس کنیم؟ این نکته را هم بیفزایم که ما در اینجا خودمان صندوق قرض الحسنه مستقلی داریم و بدون تشریفات به طلاب و اساتیدمان (درحد توان) وام پرداخت می کنیم.

پیام حوزه: رابطه شما با سایر حوزه های علمیه تهران چگونه است؟

مدیر محترم مدرسه علمیه مجتهدی: در سال های قبل، با بعضی از حوزه ها جلساتی داشتیم. و گاهی با آنها تبادل نظر می کنیم؛ اما به صورت رسمی، رابطه ای نداریم. این خلأ وجود دارد و اگر یک مجمع در تهران بین حوزه ها تشکیل شود و مدیران حوزه های علمیه استان تهران به هم تبادل نظر بکنند مطلوب است.

پیام حوزه: نظام آموزش فعلی حوزه را چگونه ارزیابی می کنید؟ و برای ورود به حوزه چه سن و مدرکی را مناسب می دانید؟

مدیر محترم مدرسه علمیه مجتهدی: سیر تحصیل در حوزه علمیه، یک سیر منطقی و صحیحی است، ولی در زمان ما لازم است این سیر، متحول شود. بنده با جذب طلاب غیر دیپلم مخالفم، پیشنهاد من این است که مرکز مدیریت حوزه با یک برنامه ریزی دقیق، نظام آموزشی متوسطه ای را راه اندازی کند؛ یعنی در سطح استان ها، مدارس غیر انتفاعی تشکیل دهد و از سوم راهنمایی، یا پایین تر جوانان و نوجوانانی را در محیط های کاملاً علمی و اسلامی تربیت کند، تا این جوانان پس از گذراندن این مرحله، وارد حوزه علمیه شوند.

امّا این که تحصیلات رسمی حوزه از چه سالی آغاز بشود، به نظر من، مناسب ترین زمان، پس از گرفتن دیپلم است. برای این که سطح آموزش در حوزه، از دانشگاه بالاتر است؛ مثلاً در دانشگاه ها برای رشته الهیات با دیپلم پذیرش می کنند ولی محتوای آموزشی که دانشکده های الهیات ارائه می دهند، بسیار ساده است و حجم ناچیزی دارد. امّا طلبه وقتی می خواهد وارد حوزه شود، لازم است حجم زیادی از معارف را یاد بگیرد و این، با مدرک سوم راهنمایی میسور نیست.

یکی از اشکالات دیگر، این است که نظام آموزشی حوزه، نظام واحدی را برای آموزش سطح سیکل با دیپلم دارد. ما تفاوت سنّی را مراعات نمی کنیم؛ یعنی فردی که با مدرک سیکل وارد حوزه می شود، معلوماتش از لحاظ اجتماعی پایین تر است و ذهنش به طور کامل، شکوفا نشده است. در حالی که در نظام آموزشی حوزه همان آموزشی را می بیند که یک فرد دیپلم. یکسان بودن برنامه آموزشی، برای دیپلم و سیکل منطقی نیست.

ما باید در پذیرش طلاب برای حوزه، اصل نخبه پذیری را رعایت کنیم. تنها با این روش می توانیم با دین گریزی و روحانیّت زدگی مقابله کنیم. یکی از عوامل آفت زا برای حوزه های علمیه این است که برخی از نیروهایی که وارد می شوند، نیروهایی نیستند که بخواهند تا آخر بمانند. ما باید هدف از آموزش در حوزه را مشخص کنیم، ما نمی خواهیم در حوزه های علمیه دین را تبلیغ کنیم، حوزه علمیه یک مرکز علمی است؛ ما می خواهیم متخصص دین، و عالم دین پرورش دهیم. تربیت عالم دین با تعلیم دین فرق می کند. تعلیم دین یک وظیفه عمومی است. رسالت حوزه های علمیه، پرورش عالمان دینی برای صیانت و حفاظت از اصل دین است. این کار با مدرک پایین به دست نمی آید؛ پس باید پذیرش در حوزه، بسیار سخت باشد، حتی از کنکور سراسری هم باید سخت تر باشد، به گونه ای که فقط نخبگان و جوانان با استعداد و متین و از خانواده های با تقوا بتوانند وارد حوزه علمیه شوند. با این روش، عالمان وارسته و با جاذبه پرورش خواهند یافت. شرایط پذیرش در این حوزه هم، مدرک دیپلم و معدل بالا و مصاحبه حضوری و تحقیقات محلی است.

پیام حوزه: چه را حل ها و راه کارهایی برای منطبق کردن کتاب های درسی نیازهای امروز پیشنهاد می کنید؟

مدیر محترم مدرسه علمیه مجتهدی: کتاب های درسی، در گذشته، روند منطقی داشت؛ امّا این برنامه، متناسب با امروز نیست. این روند در سابق مطلوب، و واقعا بهترین انتخاب بود؛ امّا امروزه در عین حال که این کتاب ها مفید هستند، نیازهای ما را بر نمی آورند. باید همین کتاب ها را با تغییرات جزیی، کارامد کنیم. و خلاءهای آن را پر کنیم. مثلاً بنده با این برنامه که طلبه به صورت سلسله وار، سه یا چهار سال، فقط به تحصیل ادبیات عرب بپردازد، مخالفم. این روش، طلبه را خسته می کند.

پیشنهاد بنده این است که آموزش ادبیات را مرحله بندی کنیم. در مرحله نخست طلاب را به جایی برسانیم که بتوانند از منابع علوم حوزوی بهره بگیرند و بعد، مراحل تکمیلی و پیشرفته را به صورت متفاوت، در طول روند آموزشی حوزه قرار دهیم. طلبه اگر از ابتدا با یادگیری یکی دو سال ادبیات، به فقه و اصول وارد شود و همراه با این دو، ادبیاتش را هم ادامه دهد، بهره بیشتری خواهد برد تا این که از اول به ادبیات صِرف بپردازد. لذا برای جلوگیری از خسته شدن طلاب، و از بین بردن یکنواختی دروس، و برای اینکه طلاب به ادبیات معاصر هم تسلط یابند، پیشنهاد من این است که ادبیات عرب در چند مرحله تکمیل بشود. از طرف دیگر هیچ لزومی ندارد این مراحل پیوسته باشند.

پیشنهاد دوم، درباره منطق است. درس منطق در پایه اول به صورت خودآموز برگزار می شود؛ در پایه دوم نیز فقط به طور اجمالی مطرح می شود، فلسفه هم در پایه ششم خوانده می شود؛ در حالی که منطق، خادم العلوم و مقدمه دانش فلسفه است و باید این دو درس، در پی هم خوانده شود؛ درحالی که در برنامه کنونی، سه سال بین یادگیری منطق و فلسفه فاصله می افتد، به همین دلیل، وقتی طلبه می خواهد در پایه بالا فلسفه بخواند، قواعد منطق را فراموش کرده است.

اشتباه دیگری که در برنامه های آموزشی در دو سال گذشته رخ داده، انتقال بحث صناعات خمس از پایه دوّم است. صناعات خمس، مباحث محتوایی منطق است و باید بعد از اتمام مبحث تصورات و تصدیقات و مباحث حجت خوانده شود و اصلاً کارایی اش آنجا است. روال پیشین که در آن، صناعات خمس در پایه سوّم خوانده می شد، منطقی بود؛ چون پیش نیازهای این بحث در پایه دوم خوانده می شد.امّا الآن که مباحث صناعات خمس، در پایه دوّم و در عرض مباحث قیاس خوانده می شود، این روال منطقی به هم می خورد و آن پیش نیاز مراعات نمی شود. این نابسامانی مسلما نتیجه منفی در برخواهد داشت؛ از این روست که می بینیم حوزه های علمیه، در سابق مَهد آموزش منطق بود، ولی الآن حضور این دانش در حوزه ها، بسیار کم رنگ شده و علم منطق به حاشیه رانده شده است.

امّا در زمینه فقه و اصول، چون هدف، آموزش فقه نیمه استدلالی است، برای سطح یک، کتاب شرح لمعه و اصول مظفر، بسیار مناسب است؛ امّا اگر آن کتاب مبادی فقه و اصول و آشنایی بافقه و فقها هم به این برنامه اضافه شود و در پایان هم برای پایه های ششم پایان نامه لحاظ گردد، مفیدتر می شود. ما در سطح یک، به شرطی کارنامه پایه ششم می دهیم که طلاب در یکی از موضوعات ادبیات عرب، کلام، منطق، فقه و اصول موضوعی را با مشورت اساتید انتخاب کنند ودر باره آن، پایان نامه ای ارائه دهند. به نظر من، جای پایان نامه نویسی در سطح یک حوزه های علمیه خالی است. طلبه بعد از شش سال تحصیل باید بتواند از یک موضوع علمی دفاع کند.

پیام حوزه: با توجه به این که نظام های آموزشی موفق دنیا پژوهش محور هستند ودانش پژوه را از اول به گونه ای تربیت می کنند که روحیه پژوهش و تحقیق در او تقویت شود، برای اینکه این موضوع نهادینه شود و طلبه بعد از چند سال محقق و پژوهشگر بار آید، چه راهکارهایی را می توان پیشنهاد کرد؟

مدیر محترم مدرسه علمیه مجتهدی: یکی از تجربه های موفق ما در این حوزه برنامه ی مطالعاتی است که از سه سال پیش به اجرا در آمده است؛ به این صورت که هر دوماه یک بار، کتابی را انتخاب می کنیم و از طلاّب می خواهیم در مدت دوماه، پس از مطالعه، چکیده آن را گزارش دهند. این کار الزامی، زمینه پژوهش و تحقیق را در طلبه ایجاد می کند و باعث شکوفایی استعداد وی می شود به طوری که در پایان پایه ششم، طلبه به راحتی می تواند پایان نامه بنویسد. ما باید در کنار کتاب های رسمی حوزه، طلاّب را ملزم به خلاصه نویسی برخی از کتاب ها بکنیم.اگر این طرح مطالعاتی در حوزه ها نهادینه شود، زمینه پژوهش و تحقیق در طلبه زنده می شود.

پیام حوزه: براساس فرمایشات مقام معظم رهبری، یکی از مقدمات بایسته ها، رسیدن به شکوفایی دوباره تمدن اسلامی، پرهیز از تقلید در عرصه علم و دوری از فرهنگ ترجمه و روی آوردن به تولید دانش و اندیشه و نظریه پردازی است. برای رسیدن به تولید در علوم انسانی، در حوزه های علمیه، چه راهی را باید در پیش بگیریم؟

مدیر محترم مدرسه علمیه مجتهدی: یکی از لوازم دست یافتن به پیشرفت در عرصه پژوهش های علمی، وجود روحیه احساس نیاز به تحقیق در پژوهشگر است. عدم احساس نیاز به تحقیق، سبب کند شدن آهنگ تحقیقات و نوآوری خواهد شد. این اندیشه که طلاّب ما فکر می کنند همه حرف های زدنی را گذشتگان و سلف صالح فرموده اند تفکر بالنده ای نیست. ما باید نخست این احساس را در طلاّب به وجود بیاوریم که همه حرف های گفتنی را بزرگان نگفته اند، چنانکه حضرت آیة الله العظمی بروجردی می فرمود «عظمت فکری بزرگان، مانع از تفکر شما نشود». بنا براین، نباید گمان کنیم که نمی شود بهتر فکر کرد. لازمه ایجاد مطالب نو و تولید فکر نیز این است که فضلا و طلاب با جامعه ارتباط تنگاتنگ و نزدیک داشته باشند و باحضور در جامعه نیازها و خلاءها راشناسایی کنند.

یکی از دلایلی که طلاب احساس نیاز نمی کنند، این است که با جامعه ارتباط کمی دارند، به همین دلیل به دنبال برآوردن نیازهای جامعه نمی روند، در حالی که حوزه های علمیه، از لحاظ دینی، روشنگران افکار هستند و لازمه روشنگری دینی بودن، این است که رهبری دینی جامعه را به عهده بگیرند و حتی نیازهای آینده جامعه را هم پیش بینی کنند و در مقام پیش بینی، بسیاری از خلاءها را بشناسند و پاسخ های لازم را از قبل فراهم سازند. قبل از این که جامعه با مشکل مواجه شود، باید ازپیش آمدن مشکل جلوگیری کرد. بنا براین، ارتباط طلاب و فضلای حوزه های علمیه با جامعه باید پیش تر شود.

مثلاً در زمینه های فرهنگی - اخلاقی و رفتاری، وقتی یک نوع فرهنگ، در جامعه عرف می شود، تازه ما اظهار نظر می کنیم که آیا این عرف صحیح است یاخیر؟ در حالی که ما باید برای هر سال جامعه، الگوسازی کنیم و الگوهای ارزشی را معرفی کنیم. پیام حوزه: شما در حوزه علمیه آیت الله مجتهدی، برای ایجاد این فضا و تقویت ارتباط طلاب با جامعه، چه گام هایی را برداشته اید؟

مدیر محترم مدرسه علمیه مجتهدی: ما با یک روش منطقی سعی کرده ایم دوستان طلبه را با مراکزآموزش عالی آشنا کنیم.ما مانع ارتباط طلاب با مراکز آموزش عالی نشده ایم، در عین حالی که مراقبیم طلبه را از دست ندهیم و حوزه را اصل می دانیم، امّا با طلبه به گونه ای همکاری می کنیم که از حضور و ادامه تحصیل در دانشگاه ها محروم نشود. خودِ حضور در مراکز آموزش عالی، در جهت تقویت ارتباط طلاب با اقشار جامعه، نقش مفید و سازنده ای دارد.

از طرف دیگر، با اعزام طلاب به مراکز فرهنگی، برای تدریس یا تحقیق، این ارتباط را بیشتر می کنیم. در پایان هفته، طلاب به مدارس می روند و تدریس می کنند، این کار، باعث آشنایی طلاب با نیازهای جامعه می شود. در زمینه فعالیت های فرهنگی نیز برخی از طلاب مستعد را به صورت غیر مستقیم در مسیرهای تبلیغی قرار می دهیم. مثلاً در تابستان، چند طلبه فاضل را که در جذب جوانان و نوجوانان موفق بوده اند، در کلاس های آموزش قرآن و کلاس های احکام و اخلاق، آموزش می دهیم، و در سطح منطقه به مدارس و ارگان هایی که به روحانی و معلم دینی و امام جماعت نیاز دارند اعزام می کنیم. ما در سه محور مدارس، ارگان ها و مراکز نظامی و انتظامی، فعالیت فرهنگی تبلیغی داریم. بنده طرحی به بسیج طلاب ارایه کردم که در صورت اجرا، به نظر من بسیج طلاب جایگاه واقعی خود را به دست خواهد آورد و نقش هدایتگری کل بسیج را در سطح کشور از لحاظ عقیدتی و فکری ایفا خواهد کرد. براساس این طرح، طلاب فاضل در پایگاه های بسیج به صورت رسمی فعالیت های عقیدتی و فرهنگی، می کنند و مسئولیت آموزش دینی و عقیدتی این پایگاه ها را به عهده می گیرند. این کار، در صورت استمرار و نهادینه شدن می شوند تحول عظیمی در سطح کشور ایجاد خواهد کند.

پیام حوزه: عده ه ای معتقدند روند آموزش در حوزه های علمیه کنُد شده و طلاب دچار اُفت تحصیلی شده اند، نظر شما چیست؟

مدیر محترم مدرسه علمیه مجتهدی: عوامل اُفت تحصیلی متعددند: اول عدم گزینش نیروی مستعد است. دوّم نبود برنامه آموزشی مناسب، و مهم تر از همه - که مسئولان حوزه باید با جدیّت به آن نگاه کنند- موضوع آینده طلاب است. وقتی یک طلبه وارد حوزه می شود، باید ده سال درس بخواند؛ بعد از ده، پانزده سال تحصیل اگر بخواهد ازدواج کند، ازدواج او بر چه مبنایی می خواهد صورت بگیرد؟ اشتغالش چه می شود؟ منبع درآمدش کجاست؟ با این شهریه کم، چگونه می شود یک زندگی را اداره کرد؟ طلبه بعد از ده سال، عضو کدام بافت زنده جامعه است؟ ما باید برای آینده طلاب فکری اساسی کنیم؛ البته این بدان معنا نیست که ما آینده نداریم، اتفاقا ما زمینه های خیلی مهمی داریم؛ ولی ما از نقشی که باید ایفا کنیم، کنار زده شده ایم، یا کنار هستیم.

برای نمونه، در نهادی مانند آموزش و پرورش در جامعه ما، پرورش وظیفه کیست؟ در بخش آموزش، آموزش دین وظیفه کیست؟ جز حوزه های علمیه؟! اگر یک قانون مدوَّن در مجلس تصویب شود که دولت را موظف سازد دبیران بینش اسلامی را از فارغ التحصیلان حوزه علمیه جذب کند؛ آن موقع جوانی که وارد حوزه می شود می گوید ده سال درس می خوانم، بعد وارد این واحد، و این بافت زنده جامعه می شوم و در مقام معلم معارف دینی و در قالبی رسمی انجام وظیفه می کنم. آن وقت می بینیم که چه قدر انگیزه درس خواندن زیاد می شود. درس خواندن، هدفمند می شود. این زمینه را ما از دست داده ایم، یا از ما گرفته اند.

از طرف دیگر، می بینیم جوانی که در نظام اسلامی رشد کرده، به جای فرهنگ اسلامی، فرهنگ غربی را یاد گرفته است. این جوان به طور متوسط دوازده سال درس خوانده؛ اما با امور دینی خود ناآشناست. چرا؟ چون در مدرسه خوب تغذیه نشده است و نیروی متخصص واقعی به او دین را آموزش نداده است. ما به یک سری مسائل تبلیغی و آموزشی فرعی بسنده کرده ایم و هجده میلیون جوان را که ملزم به تحصیل هستند و یکی از تعالیمشان هم تعلیم دین است رها کرده ایم. چرا حوزه های علمیه به این زمینه مناسب (یعنی آموزش و پرورشی که هجده میلیون جوان دختر و پسر دارد) نباید بپردازد؟ باید قانونی وضع شود تا از طریق آن، وارد این سیستم شویم. از این طریق است که حوزه علمیه وارد متن جامعه می شود.آن موقع جامعه، جامعه اسلامی می شود. ما این میدان وسیع رااز دست داده ایم.

مؤسسات آموزش عالی هم همین طور هستند. وارد شدن طلاّب به این مراکز باعث ایجاد انگیزه بیشتر برای تحصیل می شود. اگر ما موقعیت خود را در جامعه تعریف و تثبیت کردیم، جامعه هم نگاه تحقیرآمیز به ما نخواهد داشت و خود طلبه هم احساس بطالت نخواهد کرد. وقتی این زمینه ها فراهم نشود، طلبه می گوید من بعد از ده سال درس خواندن، چه باید بکنم؟ نظام حوزوی پاسخی به این پرسش ندارد. ما باید کاری کنیم که نظام آموزشی حوزه، طلبه را به موفقیّت برساند.

بنده معتقدم طلبه نباید از راه منبر و خطابه امرار معاش کند، امام جماعت بودن یک وظیفه است و نباید وسیله ای برای امرار معاش شود، ما یک وسیله منطقی را برای امرار معاش از دست داده ایم و در مقابل از راه انجام اموری که نباید برایش مزد و پاداش مادی گرفته بشود، امرار معاش می کنیم. این امر در جامعه تنش درست می کند؛ از سوی دیگر بسیاری از طلبه ها هم نمی خواهند از این راه ارتزاق بکنند. به هرحال، اگر می خواهیم رشد تکاملی حوزه متوقف نشود، باید انگیزه ها را تقویت کنیم. باید طلبه ای که وارد حوزه می شود، بداند که بعد از ده سال فرد مفیدی برای جامعه خواهد شد.

زمینه دوم قضاوت است. قضاوت وظیفه کیست؟ آیا این امر مهم، جزشأن فقیه و مجتهد است؟ الآن دستگاه قضایی ما چند در صد از قضات را از حوزه های علمیه می گیرد؟ ما باید نیروهایی پرورش بدهیم که به درد قضاوت بخورند. آن وقت، این می شود یک انگیزه. یکی از زمینه های دیگر اداره موقوفات در جامعه است. چرا امور وقف را نیروهای غیر حوزوی باید اداره کنند؟ این جایگاه ها، جایگاه هایی است که باید حوزه آن ها را اداره کند.ازاین طریق است که سلول های اصلی جامعه، اسلامی می شود.

علّت این که در جامعه ما مفاسداخلاقی، اقتصادی و فرهنگی رشد می کند، این است که سلول های اساسی جامعه ما خالی از نیروهای واقعی اسلامی است. دیگران دارند این جاهای خالی و حساس را پُر می کنند، ما در حاشیه نشسته ایم. قم نباید به صورت توقفگاه دائمی برای دانش آموختگان حوزوی درآید که هر طلبه ای که وارد قم می شود تا آخر عمر در همان جا بماند. اگر ما ادعای سربازی حضرت ولی عصر(عج) را داریم، باید در مقابل خدماتی که دریافت می کنیم، خدمتی هم برسانیم.

در این سیستم، تحصیل و دریافت شهریه در ازای آن هم جای تأمل دارد. کدام نظام آموزشی، مادام العمر فقط دانشجو می پرورد؟! روند تحصیل در حوزه باید یک مقاطع مشخصّی داشته باشد که به سررسید، طلبه به متن جامعه برود، زمینه اش را هم خود حوزه باید فراهم کند. ما بعضا افرادی را جذب می کنیم که در حوزه به صورت دائم ماندگار می شوند و چه بسا کارآیی لازم را نیز ندارند. طلبه ای در قم منزل تهیه می کند، بعد صاحب زندگی و حتی عروس و داماد می شود و در قم ماندگاری می شود تا جایی که در هفتاد سالگی هم می بینید هنوز درس خارج می رود و در حاشیه می نشیند و گوش می دهد آیا و اقعا رسالت حوزه این است؟! آیا هدف از آموزش این است که تاهفتاد سال فقط شنونده باشیم؟

حقیقت این است که ما زمینه های اشتغال و کارایی خودمان رااز دست داده ایم و خودمان را به حاشیه رانده ایم. ما باید جایگاه واقعی خودمان را در جامعه به دست بیاوریم. آن موقع انگیزه برای تحصیل علم، بالا می رود و دیگر شاهد اُفت تحصیلی نمی شویم. گاهی، خانواده طلاب با ما تماس می گیرند و می گویند ما از روند تکاملی بچه هایمان از نظر اخلاقی خیلی راضی هستیم،اما آینده اینها چه می شود؟ می گویند فرزند ما بعد از شش سال، چه کاره می خواهد بشود؟ ما به والدین چه بگوییم؟ حوزه مسؤولیت دارد که آینده نیروهای خودش را مشخص کند، ما در زمینه مساجد واقعا کوتاهی می کنیم. ما باید نیروهای خُبره ای داشته باشیم که بتوانند یک محله را اداره کنند. الآن واقعا آیا این طور است؟ یک امام جماعت ما می تواند یک محله را بچرخاند؟ من معتقدم اگر هر مسجد یک امام جماعت جامع و کامل داشته باشد، دیگر در آن محله نه دادگستری نیاز است نه کلانتری. چون این آدم خَبیر و دانشمند و با تقوا می تواند آن قدر کارامد باشد که همه نیازهای درجه اول آن محله را حل و فصل کند. الآن متأسفانه حتی مجالس ما به سمتی پیش می رود که دیگر واعظ دعوت نمی کنند و مداحی را هدف اصلی قرار می دهند.